خبر

خشم و هیجان قاتلان خاموش خیابان‌های تهران

خستگی، عصبانیت، خواب‌آلودگی و دیگر حالات هیجانی رانندگان، سهم قابل‌توجهی در تصادفات پایتخت دارد؛ به‌طوری که به گفته رئیس مرکز جامع برخط پلیس راهور تهران بزرگ، ۶۸ درصد علت تامه تصادفات از ابتدای امسال به عوامل روانی و هیجانی رانندگان مربوط بوده است؛ عواملی که می‌تواند تصمیم‌گیری منطقی را مختل کرده و راننده را به سمت رفتارهای پرخطر سوق دهد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، سرهنگ رابعه جوانبخت، کارشناس تصادفات و رئیس مرکز جامع برخط پلیس راهور تهران بزرگ، با اشاره به نقش عوامل روانی در وقوع حوادث رانندگی، گفت: خستگی و خواب‌آلودگی، خشم و عصبانیت و مصرف روانگردان‌ها یا نوشیدنی‌های غیرمجاز می‌تواند توان تصمیم‌گیری منطقی راننده را کاهش دهد. در چنین شرایطی، ذهن و بدن راننده در وضعیت طبیعی قرار ندارد و واکنش‌های او بیشتر تحت‌تاثیر هیجانات قرار می‌گیرد.

وی با بیان این‌که رانندگی فقط به مهارت فنی محدود نمی‌شود، افزود: راننده تمام هیجانات و احساسات خود را پشت فرمان همراه دارد. بنابراین اگر فرد، روز خوبی را آغاز نکرده یا از نظر روحی شرایط مناسبی ندارد، بهتر است رانندگی نکرده و از وسایل حمل‌ونقل عمومی استفاده کند.

به گفته جوانبخت، قرار گرفتن راننده در شرایط روحی نامناسب، می‌تواند باعث شود کوچک‌ترین رفتار نامناسب سایر رانندگان یا افراد حاضر در خیابان، او را وارد وضعیت

جاده در قبضه شوتی‌ها

براساس اعلام پلیس راه در طول سال ۱۴۰۴، مجموعاً ۳۵۸ نفر در تصادفات مرتبط با خودروهای شوتی جان خود را از دست دادند

وقتی شب از راه می‌رسد و تاریکی جاده‌ها را در بر می‌گیرد، ماجرای دیگری آغاز می‌شود؛ ماجرای خودروهایی که رانندگان جاده آنها را با نام «شوتی» می‌شناسند. خودروهایی که اغلب پژو ۴۰۵ یا پارس هستند و با تغییرات ظاهری به‌راحتی قابل تشخیص‌اند؛ قسمت عقب خودرو به‌دلیل تقویت فنرها غیرعادی بالا آمده و بخش جلویی به زمین نزدیک‌تر است. آنها معمولا به‌صورت کاروانی حرکت می‌کنند و با سرعت‌های سرسام‌آور، سبقت‌های خطرناک و بی‌توجهی به قوانین، امنیت جاده‌ها را به بازی می‌گیرند. شوتی‌ها تنها یک تخلف رانندگی نیستند؛ حلقه‌ای از زنجیره قاچاق محسوب می‌شوند. از مواد مخدر گرفته تا تلفن همراه، پوشاک، لوازم خانگی، مواد غذایی، قهوه و حتی آبمیوه، هر کالای قاچاقی ممکن است در صندوق یا صندلی عقب این خودروها جابه‌جا شود. گاهی نیز پای قاچاق انسان به میان می‌آید و رانندگان چندین برابر ظرفیت خودرو، مسافر سوار می‌کنند.

محمد غمخوار
دبیر حوادث

سال‌ها پیش تعداد خودروهای شوتی در جاده‌های کشور محدود بود، اما افزایش مشکلات اقتصادی، تورم و بیکاری باعث شد افراد بیشتری جذب این فعالیت شوند. در این میان، سرشبکه‌های قاچاق با وعده دستمزدهای چند میلیون تومانی، جوانان را به خدمت گرفته‌اند؛ اتفاقی که علاوه بر خسارت به اقتصاد کشور، امنیت جاده‌ها را نیز با تهدیدی جدی روبه‌رو کرده است. فعالیت شوتی‌ها در نقاط مختلف کشور شکل متفاوتی دارد. در غرب، بیشتر خودروها کالاهای قاچاق وارد شده از مرز را به شهرهای مرکزی منتقل می‌کنند؛ کالاهایی مانند لوازم برقی، لوازم خانگی، تلفن همراه، پوشاک، مواد غذایی و دارو که بدون پرداخت عوارض و حقوق گمرکی وارد کشور شده‌اند. در شرق و جنوب شرق اما ماجرا متفاوت است. در استان‌های خراسان رضوی، خراسان جنوبی و سیستان و بلوچستان، خودروهایی که اغلب تویوتا یا نیسان هستند، سوخت و برخی کالاهای اساسی را تا نزدیکی مرز حمل کرده و به‌صورت قاچاق از کشور خارج می‌کنند. در این مسیر، سرعت حرف اول را می‌زند. رانندگان شوتی تنها به رساندن بار فکر می‌کنند و همین موضوع باعث شده هر روز در برخی محورهای کشور شاهد تصادف‌های مرگبار باشیم؛ حوادثی که قربانیان آن فقط رانندگان شوتی نیستند و گاهی جان رانندگان و سرنشینان خودروهای عبوری نیز گرفته می‌شود. یکی از حساس‌ترین لحظات، زمانی است که راننده شوتی تصمیم به فرار می‌گیرد. از آن لحظه، جاده دیگر یک مسیر عادی نیست؛ به صحنه‌ای تبدیل می‌شود که سرعت، ریسک و رفتارهای غیرقابل پیش‌بینی، هر لحظه احتمال وقوع یک فاجعه را افزایش می‌دهد. همین موضوع، مأموریت پلیس را نیز پیچیده کرده است. از یک سو، برخورد با خودروهای شوتی به‌دلیل خطراتی که ایجاد می‌کنند اجتناب‌ناپذیر است و از سوی دیگر، هر اقدام عجولانه ممکن است جان سایر رانندگان را به خطر بیندازد. به همین دلیل، پلیس ناچار است میان برخورد قاطع و حفظ امنیت کاربران جاده تعادل برقرار کند؛ تعادلی که در شرایط واقعی جاده‌ها، همیشه آسان نیست. از همین رو، آنچه گاهی از بیرون به‌عنوان عدم برخورد تلقی می‌شود، در بسیاری از موارد نتیجه محاسبه‌ای برای جلوگیری از حادثه‌ای بزرگ‌تر است.

سردار قاسم رضایی، جانشین رئیس پلیس کشور، با هشدار نسبت به گسترش این پدیده می‌گوید: «متاسفانه تردد خودروهای شوتی (قاچاق بر) در کشور در حال تبدیل شدن به یک بدعت خطرناک بوده و در شهرهای مختلف کشور در حال افزایش است. تردد این خودروها در جاده‌ها و شهرها غیر قانونی است و پلیس هم با این افراد به علت انجام کار غیرقانونی طبق وظیفه برخورد می‌کند.» وی تاکید کرد: «درحال حاضر ماموران انتظامی و راهور در پاسگاه‌ها و پلیس راه‌ها با این افراد که امنیت اقتصادی را هدف قرار داده‌اند، برخورد می‌کنند. پلیس برخورد با اقدامات جنون آمیز شوتی سواران را که بارها موجب تصادفات مرگبار و حتی شهادت چند نیروی پلیس شده‌اند را در دستور کار خود دارد. البته باید با سرمنشأ این موضوع که قاچاقچیان هستند و باعث می شوند تا شوتی‌گری امری پر سود تلقی شده و جوانان جذب آن شوند هم با قدرت برخورد کرد.» بخش زیادی از رانندگان شوتی را جوانان زیر ۳۰ سال تشکیل می‌دهند؛ افرادی که برای دریافت دستمزد، ساعت‌های طولانی و گاهی بیش از ۱۲ ساعت در روز رانندگی می‌کنند تا محموله را به مقصد برسانند. یکی از رانندگان ۲۵ ساله درباره این شغل می‌گوید: «برای این‌که بتوانیم سریع‌تر حرکت کرده و بار بیشتری حمل کنیم، تغییراتی را در خودرو ایجاد می‌کنیم که گاهی تابلو می‌شویم. دیگر همه مردم می‌دانند خودرویی که بار ندارد و قسمت عقب خودرو غیرعادی ارتفاع دارد، شوتی هستند و کالای قاچاق حمل می‌کنند. به خاطر این‌که آن موقع بار قاچاق نداریم با خیال راحت تردد می‌کنیم.»

او درباره وضعیت رانندگان نیز توضیح می‌دهد: «برخی شوتی‌ها خودرو برای خودشان است و برخی راننده قاچاقچیان هستند و روی خودرو آنها کار می‌کنند که درآمدشان متفاوت است.» آنچه در میان همه این ماجراها نباید فراموش شود، امنیت جاده‌ها و جان رانندگانی است که هیچ نقشی در چرخه قاچاق ندارند. خانواده‌هایی که برای سفری عادی راهی جاده می‌شوند، ممکن است تنها در چند ثانیه با خودرویی روبه‌رو شوند که با سرعتی غیرقابل کنترل در حال فرار است؛ حادثه‌ای که گاه سرنوشت چندین نفر را تغییر می‌دهد.

با وجود تداوم این حوادث، آمارهای پلیس نشان می‌دهد شمار قربانیان تصادفات مرتبط با خودروهای شوتی در سال گذشته کاهش یافته است. رئیس پلیس راه راهور فراجا با اعلام کاهش ۱۲ درصدی تلفات ناشی از تصادفات خودروهای شوتی در سال گذشته می‌گوید: «در طول سال ۱۴۰۴، مجموعا ۳۵۸ نفر در تصادفات مرتبط با خودروهای شوتی جان خود را از دست دادند که از این تعداد تنها ۳۲ نفر، معادل حدود ۸ درصد، افراد غیرمقصر بودند و ۹۲ درصد فوت‌شدگان خود عامل و مسبب اصلی وقوع حادثه محسوب می‌شدند.»

سردار کرمی اسد همچنین درباره آمار مصدومان این حوادث می‌گوید: «۵۱۳ نفر در حوادث مرتبط با خودروهای شوتی مصدوم شده که تنها ۱۰ درصد آنان غیرمقصر بوده و ۹۰ درصد مصدومان، رانندگان یا سرنشینان خودروهای شوتی و عاملان اصلی وقوع تصادفات بودند.»

نگاه

پدیده‌ای با تبعات سیاه

سردار حسین رحیمی، رئیس پلیس امنیت اقتصادی فراجا، در گفت‌وگو با جام جم معتقد است خودروهای شوتی تنها یک ابزار برای جابه‌جایی کالای قاچاق نیستند، بلکه به پدیده‌ای چندوجهی تبدیل شده‌اند که آثار اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و فرهنگی گسترده‌ای به همراه دارد. او می‌گوید: «پدیده خودروهای شوتی یکی از چالش‌های چندوجهی در مناطق مرزی و در سال‌های اخیر در جاده‌های مختلف ایران است. این پدیده تنها یک جرم ساده نیست، بلکه پدیده‌ای نا بهنجار و خطرناک است که یک منظومه از مشکلات ترافیکی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی را در بر می‌گیرد.»

به گفته رئیس پلیس امنیت اقتصادی، هرچند شوتی‌گری برای عده‌ای سودآور است، اما هزینه آن را اقتصاد کشور می‌پردازد. «اگرچه شوتی‌گری و پدیده خودروهای شوتی برای برخی افراد سودآور است، اما در کل به اقتصاد ملی ضربه می‌زند. این خودروها بازوی اصلی انتقال کالای قاچاق (پوشاک، لوازم خانگی، سیگار و...) به مرکز کشور هستند. این کالاها بدون پرداخت عوارض و گمرک وارد می‌شوند که باعث تضعیف تولید داخلی و بیکاری کارگران کارخانه‌های کشور می‌شود. جابه‌جایی کالای قاچاق به معنای خروج ارز از مجاری غیرقانونی است که باعث نوسانات ارزی می‌شود.» رحیمی در ادامه به پیامدهای اجتماعی این پدیده نیز اشاره می‌کند و می‌گوید: «این پدیده آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی هم به همراه دارد. وقتی یک جوان می‌بیند که می‌تواند با یک شب رانندگی خطرناک، معادل حقوق چند ماه یک کارگر سود کند، دیگر تمایلی به تحصیل یا یادگیری مهارت‌های فنی و تولیدی نخواهد داشت. این یعنی در حقیقت به معنای تخریب نیروی کار آینده است. شوتی‌گری، فرار از قانون را به یک «مهارت» یا حتی «شجاعت» در ذهن برخی جوانان تبدیل می‌کند به‌گونه‌ای که برخی به غلط این عمل خلاف قانون و خطرناک را نشانه جسارت و شجاعت می‌دانند.»

به گفته وی، پلیس امنیت اقتصادی در سال گذشته چهار مرحله طرح سراسری مقابله با خودروهای شوتی را اجرا کرده که نتیجه آن توقیف بیش از ۲۷ هزار دستگاه خودروی شوتی بوده است. همچنین در دو ماه نخست امسال نیز نزدیک به ۴۰۰۰ دستگاه از این خودروها توقیف شده‌اند.

رئیس پلیس امنیت اقتصادی فراجا در پایان تأکید می‌کند: «پدیده شوتی، اقتصاد سیاه است که به قیمت خون و ناامنی جاده‌ها تمام می‌شود. حل این مشکل نیازمند یک نگاه سیستمی است: از یک سو برخورد قاطع با باندهای بزرگ قاچاق و تغییر قوانین جاده‌ای، و از سوی دیگر توسعه زیرساخت‌ها و ایجاد اشتغال پایدار در مناطق مرزی تا جوانان مجبور نشوند جان خود و دیگران را برای جابه‌جایی چند کیسه کالا به خطر بیندازند.»

بخشش پسر بعد از قتل پدر پولدار

پسر جوان که با ادعایی عجیب پدر پولدار خود را به قتل رسانده بود، با بخشش خواهرش از چوبه دار رها شد. متهم و دوستش از جنبه عمومی جرم محاکمه شدند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، رسیدگی به این پرونده از ۱۶ خرداد سال گذشته آغاز شد. ساکنان ساختمانی که از بوی نامطبوع منتشر شده از یکی از واحدها نگران شده بودند، موضوع را به پلیس اطلاع دادند. مأموران پس از حضور در محل و ورود به خانه، با جسد مرد ۶۵ ساله صاحبخانه روبه‌رو شدند. بررسی‌ها نشان داد او بر اثر اصابت ضربات چاقو جان باخته و کمربندی نیز دور گردنش قرار گرفته است.

تحقیق از ساکنان ساختمان نشان داد مقتول با پسرش، خسرو، اختلاف داشته و همسر و دخترش نیز در خارج از کشور زندگی می‌کنند. از سوی دیگر، سرایدار برج چند روز قبل از کشف جسد، خسرو را در پارکینگ دیده بود. همین موضوع باعث شد پسر مقتول به‌عنوان یکی از مظنونان اصلی قتل تحت بازجویی قرار گیرد. خسرو ابتدا قتل را انکار کرد و گفت از سرنوشت پدرش اطلاعی ندارد اما پیام‌های ردوبدل‌شده میان او و مقتول درباره خودروی لکسوس و پژو ۲۰۶ توجه کارآگاهان را جلب کرد. بازجویی‌ها ادامه پیدا کرد تا این‌که حدود یک هفته بعد، متهم به قتل اعتراف کرد و مدعی شد دوستش یاشار نیز در این ماجرا نقش داشته است.

خسرو در تحقیقات مدعی شد حدود شش ماه پیش از قتل، مادرش با او تماس گرفته و گفته خواهرش در دوران کودکی از سوی پدرشان مورد آزار قرار گرفته است. او گفت پس از شنیدن این موضوع و اطلاع از آسیب‌های روحی خواهرش، تصمیم به قتل پدرش گرفته است. به گفته خسرو، او موضوع را با یاشار در میان گذاشته و قرار بوده پس از قتل، مقداری دلار و طلا پدرش به یاشار برسد. او همچنین مدعی شد قصد داشته پس از این ماجرا از کشور خارج شود. اما روایت یاشار متفاوت بود. او گفت خسرو را از سال‌ها قبل و دوران تحصیل در هند می‌شناخته و شب حادثه نیز پس از مصرف مواد مخدر، از تصمیم او برای قتل پدرش مطلع شده است. یاشار مدعی شد وقتی همراه خسرو برای تعویض خودرو به خانه مقتول رفتند، صدای درگیری شنیده و وارد اتاق شده است. به گفته او، خسرو با چاقو به پدرش ضربه می‌زد و پس از آن نیز تلاش کردند جسد را داخل پتو قرار دهند و از خانه خارج کنند اما در نهایت از این کار منصرف شدند. پس از تکمیل تحقیقات و بازسازی صحنه، برای خسرو به اتهام مباشرت در قتل و برای یاشار به اتهام معاونت در قتل کیفرخواست صادر شد و پرونده به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران رفت. دو پسر جوان در این پرونده متهم به سرقت هم شده بودند.

در جلسه دادگاه، وکیل همسر و دختر مقتول از طرف دختر خانواده درخواست قصاص کرد و برای سرقت اموال نیز از سوی همسر مقتول خواستار مجازات قانونی شد. خسرو در جایگاه قرار گرفت و اصل وارد کردن ضربات چاقو به پدرش را پذیرفت اما انگیزه مالی را رد کرد.

او گفت: «همه چیز داشتم و نیازی به پول پدرم نداشتم. کشورهای زیادی را دیده بودم و کمبودی نداشتم.» متهم مدعی شد سه قطعه طلا که از گاوصندوق برداشته متعلق به خودش بوده و ۲۰۰۰ دلار نیز به یاشار داده است. او ادعای سرقت ۱۵ هزار دلار و چند سرویس طلا را رد کرد. خسرو بار دیگر ادعای خود درباره خواهرش را مطرح کرد و گفت پس از اطلاع از آنچه مادرش درباره رفتار پدر با خواهرش گفته بود، به شدت ناراحت شده و در نهایت تصمیم به قتل گرفته است. وکیل او نیز در دفاعیاتش به سابقه آزار موکلش در دوران کودکی اشاره کرد و گفت این اتفاق و ادعای آزار خواهرش، در شکل‌گیری باور او درباره رفتار پدرش تأثیر داشته است. در ادامه، یاشار اتهام خود را رد کرد و گفت؛ پس از ورود به خانه، صدای فریاد شنیده و زمانی که وارد اتاق شده، خسرو را در حال ضربه زدن به پدرش دیده است. او گفت پس از حادثه لباس‌هایشان را عوض کرده و با خودروها از محل خارج شده‌اند. او درباره ۲۰۰۰ دلار نیز توضیح داد که این پول دستمزد قتل نبوده است. به گفته یاشار، او برای خسرو مواد مخدر تهیه کرده بود و این مبلغ برای پرداخت هزینه آن به فروشنده مواد داده شده است. در مقابل، وکیل همسر و دختر مقتول روایت متهمان درباره انگیزه جنایت را رد کرد. او مدعی شد اسناد و فایل‌های صوتی در اختیار دارد که می‌تواند نشان دهد ادعای آزار خواهر، انگیزه واقعی قتل نبوده است. این وکیل همچنین گفت خسرو پیش از حادثه بخشی از تجهیزات گران‌قیمت کارخانه پدرش را با قیمت پایین فروخته و پول آن را صرف مواد مخدر کرده بود. از سوی دیگر، دختر مقتول نیز هرگونه تعرض پدرش به خود را رد کرده و گفته است خراش‌های روی دستش ناشی از رفتارهای آسیب‌زننده به خود بوده و ارتباطی با اقدام به خودکشی نداشته است. در پایان قضات وارد شور شدند و خسرو را به قصاص و حبس و یاشار را به ۲۵ سال زندان محکوم کردند. خسرو که در یک قدمی چوبه دار قرار داشت، توانست رضایت اولیای دم را جلب کند و از قصاص رها شود. به این ترتیب پرونده برای رسیدگی از جنبه عمومی جرم به دادگاه بازگشت. در این جلسه خسرو با ابراز پشیمانی از قتل پدرش گفت: از قتل پدرم ناراحت هستم و درخواست بخشش دارم اما اتهام سرقت را قبول ندارم. اموالی که از خانه برداشتم متعلق به خودم بود و سرقتی انجام ندادم.

سپس یاشار در جایگاه ایستاد و او هم مدعی شد: وقتی خسرو مرتکب سرقت نشده باشد، من هم معاونتی نداشته‌ام. در جریان قتل پدرش نبودم و به آن خانه رفته بودیم تا مواد بکشیم. زیاد به آن خانه رفت‌وآمد داشتیم و خسرو یکدفعه پدرش را کشت.

پس از این دفاعیات قضات برای تصمیم‌گیری وارد شور شدند.

«جام جم» درباره دام شرکت‌های مها

مهاجرت؛ طعمه ت

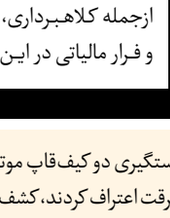

هانا چراغی
جام جم آنلاین

تب مهاجرت و جست‌وجوی آینده‌ای بهتر، در سال‌های اخیر به فرصتی برای سوءاستفاده برخی افراد سودجو تبدیل شده است؛ سودجویانی که با تبلیغات گسترده و وعده اقامت، اشتغال و زندگی بهتر در کشورهای خارجی، اعتماد متقاضیان را جلب می‌کنند. تازه‌ترین پرونده در این زمینه، از کلاهبرداری حدود ۴۰۰۰ میلیارد تومانی و شکایت ۳۰۰ نفر حکایت دارد؛ پرونده‌ای که در آن پای جعل مدارک، پولشویی، فرار مالیاتی و قاچاق ارز نیز به میان آمده است.

علی صالحی، دادستان تهران با اشاره به این پرونده کثیرالشاکی اعلام کرد ضمن پلمب شرکت متخلف، حدود دو همت از اموال منقول و غیرمنقول آن در مرحله تحقیقات قضایی، شناسایی و توقیف شد. او درباره شیوه فعالیت متهمان گفت: آنها با تأسیس شرکت‌ها و مجموعه‌هایی با عناوین مختلف ازجمله مؤسسه حقوقی و دفتر مشاوره شغلی و کاریابی خارجی و با استفاده از تبلیغات گسترده و مانورهای متقلبانه، اعتماد متقاضیان را جلب کرده‌اند.

به گفته دادستان تهران، متهمان با انعقاد قرارداد برای دریافت اقامت دائم کشورهای خارجی و ارائه خدماتی مانند تهیه مدرک زبان، وجوهی را به‌صورت دلاری از متقاضیان دریافت و در ادامه از انجام تعهدات خود شانه خالی کرده‌اند. او همچنین از طرح اتهاماتی ازجمله کلاهبرداری، قاچاق و نگهداری ارز قاچاق و فرار مالیاتی در این پرونده خبر داد و بر ضرورت افزایش آگاهی‌های حقوقی و هوشیاری مردم در برابر کلاهبرداران تأکید کرد.

جعل مدارک و سوءاستفاده از اطلاعات

سردار حسین رحیمی، رئیس پلیس امنیت اقتصادی فراجا نیز از شناسایی مجموعه‌ای با عنوان شرکت مهاجرتی «پارس‌کانادا» خبر داد که به گفته وی، اقدامات غیرقانونی متعددی ازجمله کلاهبرداری، جعل مدارک تحصیلی و پولشویی در آن مطرح است.

براساس اعلام پلیس، متهم اصلی با معرفی خود در سایت‌ها و صفحات اینستاگرامی به‌عنوان «کارآفرین با مدرک فوق‌دکتری» و با ادعای همکاری با افراد ذی‌نفوذ، اقدام به جعل مدارک تحصیلی و زبان خارجی کرده است. همچنین در جریان تحقیقات مشخص شده با دسترسی به اطلاعات افراد جویای کار در کشورهای خارجی، از آنها در تهیه مدارک جعلی و حساب‌های ساختگی استفاده شده است.

رحیمی همچنین از فروش مدارک جعلی دانشگاهی و دریافت مبالغ کلان به‌صورت نقدی، ارز دیجیتال و تهاتر ملک خبر داد و اعلام کرد: اموال غیرمنقول متهمان این پرونده به ارزش بیش از دو همت توقیف و با ورود بهنگام کارآگاهان پلیس امنیت اقتصادی از خروج ۳۰۰ میلیون دلار ارز متعلق به متهم اصلی این پرونده از کشور جلوگیری شد.

به گفته رئیس پلیس امنیت اقتصادی فراجا، هفت نفر از متهمان اصلی که اعضای یک خانواده هستند، در کانادا اقامت دارند و اقدامات لازم برای استرداد آنها در حال انجام است. سایر متهمان داخل کشور نیز شناسایی و ممنوع‌الخروج شده‌اند. او همچنین

دستگیری دو کیف‌قاپ موتورسوار که در جنوب تهران به ۶۰ فقره سرقت اعتراف کردند، کشف باند سرقت موتورسیکلت در جوادیه، بازداشت فروشنده مواد مخدر و مشروبات الکلی در دولت‌آباد و دستگیری متهمی با صدها حواله جعلی روغن خوراکی، چهار پرونده‌ای است که در شبانه‌روز گذشته در دستور کار پلیس تهران قرار گرفت.

پایان کار دو کیف‌قاپ با ۳۵ شاکی

ماجرای شناسایی دو کیف‌قاپ موتورسوار از شکایت مردی در پایگاه هفتم پلیس آگاهی تهران آغاز شد. شاکی گفت هنگام تردد در خیابان شهید رجایی، دو مرد موتورسوار به او نزدیک شده و کیف دستی‌اش را که حاوی پول نقد، مدارک و تلفن همراه بوده، ربوده‌اند. سارقان پلاک موتورسیکلت را پوشانده بودند و زمانی که شاکی برای جلوگیری از سرقت مقاومت کرده، او را روی زمین کشیده‌اند که از ناحیه صورت و دست راست مجروح شده است.

کارآگاهان با توجه به نبود تصاویر مناسب از صحنه سرقت، آلبوم متهمان سابقه‌دار را به شاکی نشان دادند و او یکی از سارقان را شناسایی کرد. مأموران پس از شناسایی مخفیگاه متهم در شهرک بعثت، او را که قصد فرار داشت، دستگیر کردند. این متهم در بازجویی‌ها به ۶۰ فقره کیف‌قاپی با همدستی دوستش در محدوده خزانه و نازی‌آباد اعتراف کرد و با اطلاعات او، همدستش نیز در محدوده خزانه دستگیر شد. یک موتورسیکلت سرقتی که برای ارتکاب سرقت‌ها استفاده می‌شد نیز از خانه این متهم کشف شد. تاکنون ۳۵ مالباخته با حضور در پلیس آگاهی، متهمان را شناسایی کرده‌اند و تحقیقات برای شناسایی سایر مالباختگان و بررسی سایر جرایم احتمالی آنها ادامه دارد.

سرهنگ سلطانی، فرمانده پایگاه هفتم پلیس آگاهی تهران با هشدار به شهروندان از آنها خواست هنگام تردد به‌خصوص خیابان‌های پرتردد، مراقبت بیشتری از کیف همراه و سایر اموال باارزش خود داشته باشند.

وی توصیه کرد کیف دستی در سمتی از بدن قرار گیرد که خیابان فاصله داشته باشد و شهروندان از قرار دادن مدارک و تلفن همراه در جیب‌های بیرونی کیف یا لباس کنند. به گفته سلطانی، استفاده از تلفن همراه در حاشی نیز باید با هوشیاری بیشتری انجام شود و در صورت افراد یا موتورسیکلت‌های مشکوک، شهروندان باید ابت به محل امن رسانده و سپس موضوع را از طریق ۱۱۰ اطا هنگام وقوع کیف‌قاپی نباید با سارقان درگیر شد؛ چراک ممکن است به آسیب جسمی منجر شود. پس از سرق است مشخصات ظاهری سارقان، وسیله نقلیه و مسی در اختیار پلیس قرار گیرد و شهروندان از تعقیب شخص خودداری کنند.

راه رفتن سارق گرفتارش کرد

در پرونده‌ای دیگر، وقوع چند فقره سرقت موتورسیکلت آن در محدوده جوادیه و سریالی شدن این سرقت‌ها کلانتری جوادیه را وارد عمل کرد.

بررسی دوربین‌های مداربسته نشان داد دو سارق با یک پراید به محل‌های موردنظر می‌روند و پس از انتخاب موتو با استفاده از ابزار مخصوص، قفل آن را باز می‌کنند.

مرگ دختر خردسال با تریاک پدر

بعد از مرگ دختر شش ساله بر اثر مسمومیت با تریاک، مادر او از همسرش به اتهام قتل عمد شکایت کرد.

به گزارش خبرنگار جام جم، دو روز پیش زنی جوان با حضور در شعبه سوم بازپرسی دادسرای جنایی تهران از شوهر خود به اتهام قتل عمد شکایت کرد. پرونده با دستور قضایی به پلیس آگاهی تهران ارسال شد و شاکی در تشریح ماجرا گفت: شوهرم سال‌ها معتاد به تریاک بود. بارها سعی کردم او را در کمپ بستری کنم تا اعتیادش را ترک کند اما بی‌فایده بود. او توجهی به حرف‌هایم نمی‌کرد و سرنوشت من، دختر شش و پسر ۱۸ ساله‌ام برایش مهم نبود. چند ماه قبل حال دخترم در خانه بد شد و او را به بیمارستان بردیم که ساعتی بعد فوت کرد. به ما گفتند که مرگ فرزندم باید براثر مسمومیت باشد. اما معلوم نبود علت این مسمومیت چه بوده است. سرانجام پزشکی قانونی به ما اعلام کرد که مرگ دختر خردسالم براثر مسمومیت با تریاک بوده است. شوهرم مقصر این ماجراست چرا که اگر او اعتیادش را ترک می‌کرد این نمی‌داد. حالا از او بابت قتل فرزندم شکایت که مجازات شود. علاوه بر آن دیگر نمی‌توانم مرگ دخترم شده زندگی کنم و درصدد جدای از شکایت این زن، شوهرش با دستور قضا احضار شد و در تشریح ماجرا گفت: درست اعتیاد دارم و مصرف می‌کنم اما من باعث مر خودم از مرگ دختر خردسالم ناراحتم اما از برای مصرف در خانه تریاک داشتم اما فکر اشتباهی آن را به جای مواد خوراکی برداشت فوت کند.

سالار صنعتگر، بازپرس شعبه سوم دادسرا تاییداین خبر به جام جم، گفت: تحقیقات بر این‌که دختر خردسال براثر حادثه فوت شد بوده از سوی پلیس جنایی ادامه دارد.